





دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده زبان و ادبیات فارسی

## بررسی قصه های هزار و یک شب از منظر کهن الگو و نماد پردازی

پایان نامه دوره ی کارشناسی ارشد

زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما:

محمد حسن حسن زاده نیری

استاد مشاور:

محمد حسن حائری

نگارنده:

آزاده پیروزخواه

تیر ۱۳۹۲

فرم گرد آوری اطلاعات پایان نامه ها  
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی

عنوان: بررسی قصه های هزار و یک شب از منظر کهن الگو و نماد پردازی		
نویسنده / محقق: آزاده پیروزخواه		
مترجم: _____		
استاد راهنما: محمد حسن حسن زاده نیری      استاد مشاور / استاد داور: محمد حسن حائری / داود اسپرهم		
کتابنامه: دارد      واژه نامه: دارد		
نوع پایان نامه: <input checked="" type="checkbox"/> بنیادی <input type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی		
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد      سال تحصیلی: ۹۲-۱۳۹۱		
محل تحصیل: تهران      نام دانشگاه: علامه طباطبایی      دانشکده: زبان و ادبیات فارسی		
تعداد صفحات: ۹۶      گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی		
کلید واژه ها به زبان فارسی: هزار و یک شب، تحلیل روانکاوانه، نماد پردازی، فرآیند فردیت.		
کلید واژه ها به زبان انگلیسی: One Thousand and One Nights, Psychological analysis, Symbol Processing, Individuation Process.		

## چکیده

### الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

نشان دادن ژرف ساخت عمیق قصه ها، بر خلاف روساخت ساده و سطحی آن ها؛ رفتن از روساخت ها به اندیشه های پنهان در سطح ناخودآگاه جمعی و بیرون کشیدن تصویر کهن الگویی این اندیشه ها.

### ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش ها و فرضیه ها:

سؤال تحقیق: آیا قصه های هزار و یک شب قابلیت تحلیل روانکاوانه را دارند و آیا می توان این قصه ها را برگرفته از یک اندیشه ی جمعی و اسطوره ای دانست؟

### پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه ی مورد تحقیق، نمونه گیری و روش های نمونه گیری،

### ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها:

این پژوهش به روش کتابخانه ای انجام گرفته است (مطالعه، یادداشت برداری، تحلیل مطالب، نتیجه گیری)؛ نمونه ی مورد کار نیز کتاب هزار و یک شب است.

### ت. یافته های تحقیق:

پژوهش پیش رو، نشان داد که هزار و یک شب اگرچه متعلق به یک نویسنده و یک سرزمین خاص نیست اما مجموعه ی قصه های گردآوری شده در این اثر و با این نام انتخابی می تواند یک اندیشه ی جمعی واحد در آن را به نمایش بگذارد و از هم گسیختگی ای را در آن نمی توان یافت زیرا که ارتباط نوع بشر با داستان و مضامین داستانی ارتباطی فراملیتی است و این اثر فراملیتی به خوبی آن را نشان می دهد؛ ارتباطی که برخاسته از تجربیات جمعی و مفاهیمی ناخودآگاه است که در قالبی داستانی ریخته می شود و با ایجاد حس همذات پنداری، خوانندگان نسل ها را با خود همراه می کند.

### ث. نتیجه گیری و پیشنهادات:

قصه های هزار و یک شب، قابلیت نگرش روانشناختی داشته و زیرساخت مفهومی عمیقی دارند که با وارد شدن به آن ها، می توانیم به ریشه ی ناخودآگاه جمعی بشر دست یابیم؛ و این ره یافت زیرساختی، می تواند گامی در جهت سامان دهی اندیشه های شکل گرفته در قالب قصه و داستان باشد که حجم قابل توجهی از متون را به خود اختصاص داده اند.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

نام استاد راهنما: محمّد حسن حسن زاده نیری

سمت علمی: استادیار

نام دانشکده: زبان و ادبیات فارسی

رئیس کتابخانه:

"تقدیم نامہ"

\*درود\*

تقدیم بہ تو:

تقدیم بہ تویی کہ این صفحات را ورق می زنی، می خوانی

و

جستجو می کنی

...

تقدیم بہ روح جستجوگر تو

## "سپاس نامه"

\*من... تو... خدا، می شویم یک نفر\*

### سپاس از او:

سپاس از او که جهان را بستر تأمل و تعمق قرار داد و نگاه انسان را نگاهی جستجوگرانه؛ نگاهی که به دنبال خود تفکر می آفریند و تفکری که پدیده ها را می بیند و می شناسد؛ و کسب این شناخت و معرفت است که او را انسان می سازد.

### سپاس از او:

سپاس از او که مرا توانش اندیشیدن و نگاریدن داد و روح هایی بزرگ در قالب انسان هایی اندیشمند بر سر راهم قرار داد تا که در مسیر شناخت، جهتی بیابم و جستجویی هدفمند در پیش گیرم.

### سپاس:

سپاس از آنان که مهرشان قلبم را به تپش می اندازد و شوق زندگی را در من می آفریند.

### سپاس:

سپاس از آنان که کلامشان، راهشان و نگاهشان برانگیزاننده ی من بود تا با نوای طبیعت دیر آشنای خویش، گامی در مسیر آگاهی بردارم.

### سپاس:

سپاس از هر آنکس که تا امروز، انسان دنیای من بود و به من مشق انسانیت آموخت و سرمشق آگاهی را بر خطوط آغازین دفتر حیاتم نگاشت.

سپاس

## چکیده

هر اثر ادبی بر مبنای نوع نگرش مخاطب، امکان زایش مجدد می یابد. این زایش های دوباره است که می تواند ماندگاری یک اثر را تضمین کند. قابلیت های یک متن به پژوهشگر این اجازه را می دهد که بتواند از زوایای مختلف به اثر وارد شده و مفاهیم آن را مجدداً بر پایه ی فکر و اندیشه ای نو، بازسازی کند. هزار و یک شب نیز از جمله آثار ارزشمند و چند بعدی متون ادبی است که ژرف ساخت آن، امکان بررسی های متعدد را به محقق می دهد. در پژوهش پیش رو، ورود به متن با دید روانکاوانه می باشد و هدف، تحلیل داستان هاست؛ بدین شکل که به داستان بر مبنای سفری برای رسیدن به فرآیند فردیت، نگاه شده است و در واقع حرکت شخصیت های داستانی، حرکتی درونی و به ظاهر بیرونی، در جهت رسیدن به رشد فردی، در نظر گرفته می شود. این نگرش برخاسته از دیدگاه کارل گوستاو یونگ (روانشناس و روانپزشک) می باشد، که تحت عنوان "سفر قهرمانی" آن را مطرح می کند. مجموعه ای از عوامل، در یک ساختار داستانی، در کنار هم قرار می گیرند و سفر زندگی را به تصویر می کشند. در تحلیل روانکاوانه، نمادها و چیدمان جزئیات، به گونه ای نشان دهنده ی تغییر و تحولاتی اساسی می باشد؛ بنابراین در پژوهش پیش رو نیز، تحلیل ها بر پایه ی شواهد نمادین است.

**کلید واژه ها:** هزار و یک شب، تحلیل روانکاوانه، نماد پردازی، فرآیند فردیت.

## پیشگفتار:

عنوان پایان نامه "بررسی قصه های هزار و یک شب از منظر کهن الگو و نماد پردازی" است؛ این عنوان، قبل از انجام پژوهش، انتخاب شده و در "ایران داک" به ثبت رسیده است، اما در طی مراحل پژوهش، تغییر کرده و به "تحلیل روانکاوانه ی فرآیند فردیت در هزار و یک شب" رسیده است و پژوهش پیش رو از این منظر به کتاب هزار و یک شب و قصه های آن وارد می شود با این هدف که بتواند قابلیت متن کتاب را برای نگرش روانشناختی نشان دهد. مبنای کار بر دیدگاه کارل گوستاو یونگ (۱۹۶۱-۱۸۷۵)، روانشناس و روانپزشک سوئیسی؛ بنیان گذار نظام جدید "روانشناسی تحلیلی" است. وی حدود سال ۱۹۱۳، عبارت "روانشناسی تحلیلی" را ابداع کرد تا کارش را توصیف کند و از نظام روانکاوی متمایز نماید.

"در ابتدای قرن بیستم، یونگ به عمومی بودن شخصیت ها و وقایع زندگی انسان ها پی برد؛ این وقایع، اسطوره یا کهن الگو (Archetype) نام دارند. ریشه ی این کلمه به واژه ی یونانی آرکتیپوس (Archetypos) به معنای "الگوی ابتدایی" باز می گردد". (پیرسون، ۲۰۱۳۹۰: ۲)

به اعتقاد یونگ اشخاص و حوادث قصه ها علاوه بر نمایش ناخودآگاهی فرد، کهن الگوها را نیز نمایش می دهند و به زبان رمز از وجوب و ضرورت پختگی و تجدید حیات درونی که به یمن جذب ناخودآگاهی فردی و جمعی در شخصیت آدمی، امکان پذیر می شود، سخن می گویند. " (دولاشو، ۱۳۶۶: ۱۴) یونگ و بسیاری از پژوهشگرانی که پیش از او به این مطلب پرداخته بودند، به این نتیجه رسیدند که داستان های مطرح شده در ادبیات و هنرهای جهان، ساختار زندگی ما را شکل می دهند و تجربه های درونی ای هستند که به صورت نمادین بازگو می شوند و با دنبال کردن این وقایع بیرونی در حقیقت می توانیم آگاهی بیشتری نسبت به سیر درونی زندگیمان پیدا کنیم". (همان: ۳) در این داستان ها حرکت شخصیت ها به خصوص شخصیت اصلی داستان در قالب سفری مطرح می شود، به واقع حرکتی در داستان شکل می گیرد که اصطلاحاً به آن سفر می گوئیم؛ این حرکت معمولاً به منظور ایجاد تغییری در شخصیت اصلی داستان است، به همین جهت شخصیت اصلی را قهرمانی می دانیم که به دنبال تغییری در حرکت است و این حرکت را سفر قهرمانی می نامیم؛ این سفرهای قهرمانی، الگویی برای روند رشد فردیت هستند". (همان: ۳)

یونگ بر این باور بود که فرد باید به درکی از روان خود برسد تا بتواند احساس فردیت کند. "منظور او از این مفهوم، سفری در تمام طول عمر است که هر یک از ما باید برای جستجوی تدریجی سلامتی - یک جریان تحقق خودآگاه و خود شکوفا- طی کنیم". (اسنودن، ۱۳۸۷: ۱۱) بنابراین الگوی سفر قهرمانی شکل پیدا می کند که مختص



یک مرحله از زندگی نبوده بلکه هر محرک بیرونی در هر مقطع سنی (به خصوص در دوره های گذار: بلوغ، میانسالی، پیری) یک تلنگری برای شروع حرکتی درونی در راه رسیدن به تمامیت درون و شناخت زوایای پنهان خویش است و این همان حرکت به سمت شکوفایی و سلامت روانی است که رشد فرآیند فردیت را دنبال می کند.

بنابراین مقدمات، پژوهش انجام گرفته، به قصه ها از منظر سفری در راه رسیدن به فرآیند فردیت نگریسته و در واقع، کهن الگوی سفر قهرمانی را ملاک قرار داده و با این نگاه وارد فضای داستانی کتاب هزار و یک شب می شود و به تحلیل می پردازد. شواهد کاری نیز نمادها هستند که به کمک فرهنگ نمادها و کتاب های روانشناسی و تحلیلی استخراج شده و مورد استفاده قرار گرفته اند. لازم به ذکر است که تحلیل پیش رو، ساختاری نبوده بلکه مفهومی و درون متنی است؛ بنابراین با فضایی چارچوب شکنانه روبه هستیم که امکان چیدمان منطقی استدلالی و شخصی را به پژوهشگر می دهد؛ به قول ک.گ. یونگ: "روانشناسی تحلیلی، هیچ گاه نمی تواند کاملاً عینی باشد، زیرا همیشه روان فرد بر آنچه که مشاهده می کند، اثر می گذارد". (یونگ، ۱۳۸۷: ۱۳)

گفتنی است که جوزف کمپل، نویسنده و اسطوره شناس مشهور آمریکایی، از جمله نخستین کسانی است که سفر درونی انسان را در قالب قهرمان اسطوره ای پی می گیرد و با بررسی افسانه ها و قصه های جهان، نشان می دهد که چطور این کهن الگو (سفر قهرمانی) در هر زمان و مکان خود را در قالبی جدید تکرار می کند تا انسان را به سیر و سفر درونی و شناخت نفس (فرآیند فردیت) راهنمایی کند. کتاب ارزنده ی او در این زمینه "قهرمان هزار چهره" نام دارد و در آن اشاره شده است که "چطور داستان ها معادل و موازی یکدیگرند و بیانیه ای عظیم و بی انتها از حقایق بنیادین را شکل و گسترش می دهند که انسان در طول هزاران سال زندگی بر روی این کره ی خاکی بر اساس آن ها زندگی کرده است. به واقع در خلال داستان های شگفت، تعابیر سمبولیکی ای وجود دارد که به خواسته ها، ترس ها، تنش های ناخودآگاه و ... اشاره می کنند" (کمپل، ۱۳۸۸: ۱۱) و این پژوهش به دنبال یافتن چنین زیرساخت های سمبولیک و در عین حال عمیق و ریشه ای است.

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱

فصل یکم ..... ۷-۸

معرفی هزار و یک شب ..... ۷

ریشه و خاستگاه هزار و یک شب ..... ۷

مهم ترین ترجمه ها و چاپ های هزار و یک شب ..... ۸

تأثیر هزار و یک شب بر نویسندگان جهان ..... ۸

فصل دوم ..... ۱۰-۲۵

عنوان نمادین هزار و یک شب (۱۰۰۱) ..... ۱۰

بین و یانگ (آنیما- آنیموس) ..... ۱۱

اهمیت شناخت روان زنانه (آنیما- بین) و روان مردانه (آنیموس- یانگ) ..... ۱۲

تصویر درونی شهریار و جامعه ی زمانی او ..... ۱۴

چیدمان قصه ها ..... ۱۶

زمان قصه گویی ..... ۲۱

شب و معنای نمادین آن ..... ۲۳

کودک و معنای نمادین ..... ۲۴

**فصل سوم ..... ۲۶-۴۸**

۲۶..... حکایت شهریار و برادرش، شاه زمان و تحلیل آن

۴۷..... تحلیل شخصیت شهریار

**فصل چهارم ..... ۴۹-۸۷**

۴۹..... خلاصه ی حکایت مرد غمگین

۵۲..... تحلیل حکایت مرد غمگین

۶۲..... خلاصه ی حکایت جوذر

۶۷..... تحلیل حکایت جوذر

۸۰..... خلاصه ی حکایت عزیز و عزیزه

۸۲..... تحلیل حکایت عزیز و عزیزه

**نتیجه گیری ..... ۸۸**

۹۰..... فرهنگ اصطلاحات

۹۴..... منابع

## مقدمه:

هزار و یک شب، اثری حدوداً شامل ۲۵۸ حکایت است که شهرزاد در طول هزار و یک شب، برای شه‌ریار مطرح می‌کند. کتابی که در بر دارنده ی مجموعه ای از فرهنگ ها و تمدن هاست و با آداب و رسوم، باورها و اعتقادات و ... اقوام شرق سر و کار دارد و توانسته جایگاه خود را بعد از گذر زمانی طولانی، حفظ کند و بر آثار نویسندگان جهان، اثر گذار باشد.

دلایل ذکر شده، مرا بر آن گمارد تا به متن این کتاب وارد شوم و با نگاهی روانشناختی بدان بنگرم تا علل ماندگاری و تأثیرگذاری قصه های آن را، از این منظر بررسی کنم.

## پیشینه ی تحقیق:

در زمینه ی تحلیل روانکاوانه ی قصه های هزار و یک شب، پژوهش های انجام شده، پایه و اساس کار خود را بر نقد کهن الگویی قرار داده اند؛ از جمله این پژوهش ها، باید به این کارها اشاره شود:

- اسحاقیان، محمد جواد (۱۳۸۵) «نقد کهن الگویی حکایت تاج الملوک در هزار و یک شب».
- اکبرزاده، سمانه (۱۳۸۹) تحلیل داستان های هزار و یک شب بر اساس کهن الگوهای آنیما و آنیموس از منظر یونگ، پایان نامه ارشد.
- امامی، صابر (۱۳۸۳) «هزار و یک شب برزخی میان اسطوره و تاریخ».
- حسینی، مریم و عاطفه گزمه (۱۳۹۰) «کهن نمونه ها در داستانی از هزار و یک شب (حکایت جودر)».
- شکری، فاطمه (۱۳۹۰) نقد و بررسی روانشناسی قصه های هزار و یک شب بر اساس روانشناسی یونگ (کهن الگوها)، پایان نامه ارشد ناپیوسته.

همچنین کارهای انجام گرفته، توسط آقای جلال ستاری، که در این زمینه می‌توان از کتاب: "پژوهشی در دو داستان هزار و یک شب" یاد کرد و نیز پژوهش ارزشمند خانم نغمه ثمینی به نام "عشق و شعبده" که به طور پراکنده به زمینه های کهن الگویی هزار و یک شب در این کتاب ها اشاره شده است و کارهایی بسیار مفید هستند.

در تحلیل های روانکاوانه، باید به این نکته توجه داشت که در روانشناسی تحلیلی، ارزش گذاری و قضاوت،

جایگاهی ندارد و شخصیت های داستانی از قالب بیرونی، خارج شده و در فضایی درونی حرکت می کنند که این فضای درونی می تواند برخاسته از ساختاری کهن الگویی باشد. نکته ی دیگر اینکه، معمولاً یک شخصیت - شخصیت اصلی - می تواند دو جلوه ی بیرونی و درونی خود را در تحلیل، حفظ کند و شخصیت های فرعی، جلوه هایی از خود او هستند و تمام حواشی، توصیف گر شخصیت اصلی هستند و به وجود او وابسته اند. به همین دلیل، هر شخصیت به طور جداگانه، تحلیل نمی شود؛ زیرا که در این صورت تحلیل یکپارچگی خود را از دست می دهد و از جریان اصلی حرکت، دور می شود. دیگر اینکه، کهن الگوها در تحلیل روانشناختی، بیرونی نیستند بلکه تصاویری ازلی و درونی اند و هر رفتاری که از آن ها سر می زند، درست و به جاست؛ زیرا که تصاویری ازلی اند و قضاوت در مورد به جا یا نا به جا بودن رفتار آن ها در تحلیل، تحلیل گر را از فضای تحلیل درونی، دور کرده و به یک فضای ارزش گذاری بیرونی می کشد و در نتیجه، کهن الگو جایگاه خود را در سیستم ارزش گذاری، از دست می دهد. همچنین، در روند روانشناسی تحلیلی، پیش روی گام به گام و جزء به جزء، بسیار مهم است. اینکه تحلیل گر بتواند دلیل بیاورد، از نشانه ها و نمادها بهره گیرد و بعد به دنیای کهن الگوها وارد شود؛ در غیر این صورت، اگر اینگونه می بود که از یک جریانی می شد، خیلی سریع به نقد کهن الگویی رسید، دیگر روند تحلیلی وجود نداشت! همان طور که یونگ در مراحل تحلیل خود از سمبول ها، فضا سازی ها، کهن الگوها و... بهره می گیرد تا با یک شخصیت عینی ارتباط برقرار کند؛ پژوهشگری که با یک متن سر و کار دارد، کارش دشوارتر است. او باید از بین خطوط نگاشته شده، نشانه ها، سمبول ها و... را بیرون بکشد و ارتباط بینشان را بیابد و یک تصویرسازی شخصیتی انجام دهد و روان یک فرد را با آن تطبیق داده تا بتواند این از هم گسیختگی روانی را به تحلیل بگذارد.

### فرضیه:

قصه های هزار و یک شب، قابلیت تحلیل روانکاونه را دارند و می توان این قصه ها را برگرفته از یک اندیشه ی جمعی و اسطوره ای دانست.

## هدف تحقیق:

پژوهش پیش رو، سعی بر آن دارد تا بتواند از طریق تحلیل روانکاوانه، وارد فضای قصه های هزار و یک شب شده و از این منظر به آن ها بنگرد و ساختار این کتاب-هزار و یک شب- نیز بدین شکل است که خیلی خوب پاسخگوی این نوع نگاه است؛ زیرا که قصه ها، برگرفته از باورهای قومی است و مختص یک سرزمین و اثر یک نویسنده ی خاص نمی باشد؛ بلکه یک اندیشه ی جمعی بر آن حاکم است و این اندیشه ی به ظاهر ساده، جای کنکاش و بررسی های دقیقی را دارد که جایگاه هزار و یک شب را بس استوارتر نماید. البته همه ی داستان ها و قصه ها، در کل ارزش های نهادینه و پنهانی دارند که اگر با وسعت دید بدان ها نگریسته شود، بسی جای غور و تعمق دارند. به هر حال، هدف این پژوهش، ره یافتن به زیرساخت معنایی هزار و یک شب است و به طور نمونه به بررسی چند داستان آن می پردازد. در ارائه ی این تحلیل، سعی بر آن شده است که پله به پله به داستان وارد شده و با استفاده از تحلیل نمادین، به زیرساخت معنایی روانشناختی، دست یابیم.

## روش کار:

به منظور انجام این پژوهش، کتاب های متعددی در زمینه ی روانشناسی تحلیلی، مطالعه شد تا توانستم به یک زیرساخت تحلیلی برای قصه های این اثر دست پیدا کنم. آنچه که در روانشناسی تحلیلی بسیار مهم است، باز کردن نمادها و نشانه ها و بررسی جزء به جزء ماجرا، برای رسیدن به یک نتیجه ی کلی است. به همین جهت در این پژوهش، به نمادها هم پرداخته شده است. در دید یونگ، مفاهیم ناخودآگاه به شکلی نمادین وارد فضای خودآگاه می شوند و از طریق رؤیاها با ما ارتباط برقرار می کنند و درواقع، ماهیت مبهم روح را به تصویر می کشند. "تاریخ نماد، نشان می دهد که هر موضوعی می تواند ارزش نمادین پیدا کند". (شوالیه، ۱۳۷۹: ۲۵)

"اسطوره ها، تصاویر ازلی و نمادهایی هستند که در حماسه ها، روایات، قصه ها و ... ظهور می یابند. اسطوره به تئاتر نمادینی می ماند که از مبارزه ای درونی و بیرونی به وجود آمده است؛ مبارزه ای که انسان در روند تکامل، برای استیلای بر شخصیت خود، به آن تن می دهد". (همان: ۳۱) این نمادها می توانند با همذات پنداری همراه شده، جلوه ی بیرونی بگیرند و در قالب قهرمان اساطیری، انسان های برگزیده و ... نمود یابند یا می توانند درونی شده و یک الگوی درونی را به تصویر کشند، که در این صورت نماد را برای رسیدن به بطن آن، در قالبی بیرونی برای ایجاد حس همذات پنداری، می ریزند تا از میان آن گریزگاهی به درون پیدا شود. کشف نمادها می تواند ما را به یک عمق رسوخ

ناپذیر برده و وارد دنیایی از تجربیات جدید نماید. به همین دلیل در این پژوهش سعی بر آن شده است که از درون نمادها گذر کرده و به حوادث داستانی و دنیای شخصیت‌ها وارد شویم تا بتوانیم جلوه‌ای دیگرگون از داستان را ببینیم که شاید در نگاه اول، چندان توجهمان را به خود جلب نکند. در ضمن اینکه، پژوهش پیش رو، قصه‌های هزار و یک شب را در قالب رؤیاهایی می‌بیند که از فضای ناخودآگاه بر می‌آیند و به همین جهت است که از شیوه‌ی تحلیل روانکاوانه بهره می‌گیرد. در هزار و یک شب، زمان قصه‌گویی در شب و به واقع زمان اوج خواب و رؤیا بینی است؛ در ضمن اینکه قصه، فرد را وارد یک فضای موهوم می‌کند که در روش کاری یونگ، تکنیکی هست که او در درمان آن را به کار می‌گرفت و آن "تخیل فعال" است. تخیل فعال می‌تواند فرد را به لایه‌هایی از درون، باور و احساساتش هدایت کند که به آن‌ها دسترسی ندارد ولی با این شیوه به آن فضای مبهم، نزدیک تر می‌شود. قصه هم، همین کار را انجام می‌دهد. حتی روش قصه‌درمانی، به نوعی با ناخودآگاه فرد بازی می‌کند و او را به فضای موهوم تخیلات و حس‌های درونی‌اش نزدیک می‌کند. بنابراین چندان دور از باور نیست که به قصه‌ها از منظر رؤیا نگاه شده و به تحلیل درون‌کاوانه‌ی آن‌ها پرداخته شود.

کاری که شهرزاد انجام می‌دهد، این است که تخیل شهریار را به جریان می‌اندازد و او را وارد فضای رؤیاگونه‌ای می‌کند تا در آن، تصویر خود را بیابد و با تصویرسازی‌هایی که انجام می‌دهد، شهریار را وارد فضاهایی مبهم می‌کند که با این ورود، او به دنیای تخیلات و در نتیجه لایه‌هایی از درونش مرتبط می‌شود و حس‌هایی در او بیدار می‌شوند و گره‌ها و موانعی بر او هویدا می‌شوند که به صورت عادی از دیدن آن‌ها عاجز است و بدین شکل است که او می‌تواند در آخر با خودش روبه‌رو شود و از طریق همذات‌پنداری با شخصیت‌های قصه‌ها، زوایای پنهان درونش را ببیند؛ در روانشناسی، یافتن این زوایای پنهان و روبه‌رو شدن با آن‌ها، مهم‌ترین گام در جهت رسیدن به سلامت و یکپارچگی درونی و روانی است.

هزار و یک شب، از مجموعه داستان‌هایی است که علاوه بر روستا، یک زیرساخت نمادین هم دارد. این زیرساخت از منظرهای مختلف قابل بحث است. یکی از این نگرش‌ها می‌تواند دید روانکاوانه باشد و در این بین، روانکاوی یونگ و کندو کاوهای عمیق او، امکان این را به تحلیل‌گر می‌دهد که بتواند به شخصیت‌های داستانی نزدیک تر شده، نگاهی مو شکافانه داشته، به چیدمان جزئیات داستان توجه کرده، ارتباط اجزاء داستان‌ها را یافته، فضا سازی‌ها را درک کرده، معنای پنهانی واژگان را دریافته و با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از اطلاعات، به دریافتی وسیع تر از تصویرسازی‌های داستان، دست یابد.

آنچه در نگاه اول، روستاها این داستان‌ها را نشان می‌دهد، در تقسیم‌بندی‌ها اینگونه تعریف می‌شود: داستان‌های جادویی و ماورایی، داستان‌های قهرمانی، داستان‌های عشقی و احساسی، داستان‌های اخلاقی. داستان‌های جادویی، به فضای جن و پری و طلسم و جادو وارد می‌شوند. داستان‌های قهرمانی به جستجوی قدرت و فتح و ظفر و رسیدن به پادشاهی و ... راه می‌یابند. داستان‌های عشقی، به دلدادگی، ازدواج (شاه و معشوقه؛ شاهزاده‌ی پسر و شاهزاده‌ی دختر، و ...) می‌انجامد. داستان‌های اخلاقی، مجموعه‌ای از موارد قبل را شامل می‌شود تا به یک نتیجه‌ی از پیش تعیین شده برسد. این داستان‌ها با انتخاب ساختاری برای حکایات، چیدمان شده‌اند. ساختار قصه‌های هزار و یک شب، تو در تو است. حکایات به دو دسته‌ی کوتاه و بلند تقسیم می‌شوند. گاه حکایتی چندین و چند شب ادامه می‌یابد و یا ممکن است در یک شب، چند حکایت گفته شود. گرچه شهرزاد روایتگر اصلی حکایات است، اما گاه راوی اصلی جایش را به راوی فرعی می‌دهد و روایتگری از حکایت بیرون می‌آید و به نقل حکایت دیگری می‌پردازد.

عناصر داستانی این مجموعه (شخصیت‌ها، درونمایه، کشمکش، مکان و زمان و ...) به گونه‌ای است که امکان بررسی دقیق حکایات را از منظر روستاها، برای محقق فراهم می‌آورد؛ اما علاوه بر این وجه ظاهری، به واقع، حکایت‌ها بطنی زیباتر و جذاب‌تر از وجه ظاهری خود در بردارند؛ وجهی که در آن عناصر داستانی، بن‌مایه‌ای دیگر به خود می‌گیرند، تصاویر چند بعدی می‌شوند، شخصیت‌ها یک فضای درونی پیدا می‌کنند، هر عمل و عکس‌العملی دلیلی می‌یابد و اینجاست که علت‌ها مطرح می‌شود و خلاصه هر آنچه در متن دیده می‌شود، دالالت‌مند می‌گردد.

در داستان‌ها، شخصیت‌ها، سفر قهرمانی خود را به گونه‌ای درونی یا بیرونی آغاز می‌کنند و با آغاز این سفر داستان شکل می‌گیرد. در این سفر، قهرمان دچار چالش‌هایی می‌شود که معمولاً از لحاظ روانی او را درگیر می‌کند؛ چالش‌ها آنقدر جسمانی نیستند، اگر هم باشند در این فضا جادو و طلسم وارد می‌شود و شخص قالبی غیر انسانی و معمولاً حیوانی به خود می‌گیرد (پیکرگردانی). در تحلیل یونگ، حیوانات نمادی از سایه‌های درونی هستند و زمانی که شخصیت داستان (اصلی یا فرعی) از راه جادو یا طلسم، قالب حیوانی را می‌گیرد، نشانی است از اینکه در دام سایه‌اش گرفتار شده و قدرت مقابله با آن را از دست داده و یا ترس روبه‌رو شدن با آن را نداشته تا جایی که سایه، تمام وجود او را فرا می‌گیرد.

ما ناخودآگاه را تنها از طریق آرک‌تایپ‌هایی که بر سطح آن شناورند، می‌توانیم بشناسیم. مفاهیمی که از اعماق ناخودآگاه سرچشمه می‌گیرند، فقط زمانی به سطح خودآگاه می‌رسند که انرژی آن‌ها به هر دلیلی، تقویت شده



و به آستانه ی عمل رسیده باشند. اما از آن جا که این مفاهیم، افکار فراموش شده، امیال سرکوب شده، عقده ها و گره های روانی و یا مفاهیمی برگرفته از ناخودآگاه جمعی هستند، به محض اینکه به سطح خودآگاه می رسند، سعی می کنیم که آن ها را رانده یا نادیده گرفته و یا سرکوب کنیم (شکارش کنیم)؛ اما این مفهومی که انرژی گرفته و بالا آمده قبلاً بارها شکار شده و اکنون راه فرار را یاد گرفته است.

اگر به قصه ها از دید تخیل ننگریم و آن ها را تنها تخیلاتی برای سرگرم کردن ندانسته و از قصه وارد اسطوره شویم، به کشف اسرار طبیعت نایل می شویم. از طریق رؤیا می توان وارد دنیای ناخودآگاه شده و در نیستی، هستی پنهان اسطوره را یافت. قصه ها و افسانه ها، "آینه ی تمام نمای زندگانی روانی ما هستند که در قالب تصاویر شکل می گیرند، تصاویری که برای آدمی خاطره ای ثبت شده در ناخودآگاه را به نمود می آورند." (دولاشو، ۱۳۸۶: ۳۹) اساطیر و شناخت آن ها در واقع کلیدهایی هستند برای ورود به دنیای روان آدمی و وارد شدن به فضای خاطرات انباشته شده در ناخودآگاه جمعی نوع بشر و راه یابی به "طبایع سه گانه ی جسمانی، عاطفی و ذهنی" (همان: ۳۹). جان و روان ما آکنده از رمزهایی است که فرآیندهای روانیمان آن ها را نمود داده و در نهایت با اسطوره پیوند می دهند. "ناخودآگاه را می توان حافظه ی عالمی دانست که شهریاری بر آن حکم می راند." (همان: ۳۹)

" [قصه ها] پوسته هایی هستند که حقایق هزاره ها در درونشان پنهان است." (شدل، ۱۳۸۸: ۷)

"در جنب خودآگاهی خاص هر موجود انسانی، ناخودآگاهی کهن گرا و همگانی، وجود دارد که ملک مطلق فرد آدمی نیست بلکه متعلق به کل جماعت انسانی است. این ناخودآگاهی یا "حافظه ی جهان" که تقریباً نزد همه کس، یکی است، سرچشمه ی اساطیر و قصه های پریان است. مخلص کلام اینکه هرچه تخیل می آفریند، فرآورده ی ناخودآگاهی (جمعی) است." (همان: ۸)

به گفته ی رانک (Rank)، اسطوره "رؤیای جمعی یک قوم است" و به قول گیروود (Guiraud)، "اسطوره از نخستین تجلیات روح بشر است." (همان: ۸) و به گفته ی یونگ، هنرمند ناخودآگاه را به تصویر می کشد.

این گفته ها، مختصر اطلاعاتی بود درباره ی، نوع نگاه غالب به هزار و یک شب در این پژوهش و امید دارم که با این نگاه بتوانیم به دنیای هزار و یک شب وارد شده و به بررسی آن بپردازیم.

# فصل یکم

- معرفی هزار و یک شب
- ریشه و خاستگاه هزار و یک شب
- مهم ترین ترجمه ها و چاپ های هزار و یک شب
- تأثیر هزار و یک شب بر نویسندگان جهان

## معرفی هزار و یک شب:

"ذکر هزار و یک شب، نخستین بار در مروج الذهب و معادن الجواهر، تألیف ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی (متوفی ۳۴۶ هجری قمری) و بعد هم در الفهرست، اثر محمد بن اسحاق الندیم الوراق (متوفی در ۳۸۰ هجری قمری)، رفته است." (ستاری، ۱۳۶۸: ۷)

"از منابع کهن که به هزار و یک شب اشاره می کنند، "الفهرست" ابن ندیم و "مروج الذهب" مسعودی است که به سال های چهارم هجری / دهم میلادی، باز می گردند. اشاره ی مسعودی به ریشه های هزار و یک شب، مبهم و گذراست اما ابن ندیم در الفهرست، آشکارا از هزار افسان پارسی سخن می گوید و اشاره می کند که در هزار افسان، زنی با شگرد قصه گویی، می تواند جان خود و دیگر زنان سرزمینش را نجات دهد و این کتاب را ملامال از حکایت های کهن و مردمی سازد." (همان: ۸)

## ریشه و خاستگاه هزار و یک شب:

"دوهمر نخستین کسی است که مروج الذهب مسعودی را دید و آن را گواه قرار داد و ریشه ی هزار و یک شب را هندی و ایرانی گرفت و به دنبالش بسیاری از دانشمندان به اصل هندی و ایرانی هزار و یک شب، اعتقاد یافتند." (همان: ۸)

"شلگل (۱۸۳۶)، معتقد است که داستان های هزار و یک شب، دارای سه اصل عربی و ایرانی و هندی است و چارچوبه و انگیزه ی کتاب، ریشه ی سانسکریت دارد." (همان: ۱۸)

"ادگار بلوشه بر این اصل هندی و ایرانی هزار و یک شب، یک بخش کهن تورانی هم می افزاید؛ بلوشه مایه ی ساحری و جادوگری هزار و یک شب را از منبع تورانی، پنداشته است. از اوستا و کلیه ی کتب پهلوی و داستان های ملی و مورخین قدیم، ابدأ شکی نمی ماند که ایرانیان و تورانیان هر دو از یک نژاد بوده اند." (همان: ۲۲)

با همه ی این ها، "برخی اصل کتاب را، هندی و ایرانی و برخی دیگر منحصراً عربی یا یونانی پنداشته اند و گروهی نیز پذیرفته اند که کتاب دارای چندین منبع است." (همان: ۶) اما آنچه باید گفت این است که درباره ی ریشه و خاستگاه این اثر سخن و نظر بسیار است.

بنا به شواهد موجود، "هسته ی اصلی هزار و یک شب، مجموعه داستانی بوده به نام "هزار افسان" که در عهد ساسانیان از مجموعه قصه های هندی به پارسی (پهلوی) برگردانده شد و حوالی قرن سوم هجری، آن را به کلام

عربی ترجمه کردند و هزار افسان ابتدا به شکل "الف خرافه" و سپس "الف لیله" یا "هزار شب" و بعد هم "الف لیله و لیله" یا "هزار و یک شب"، بدل شد". (ثمینی، ۱۳۷۹: ۸)

ورود هزار و یک شب به غرب، نخستین بار با ترجمه ی آنتوان گالان در قرن ۱۸ میلادی، به زبان فرانسه بود که در ۱۲ مجلد، در پاریس انتشار یافت. "ترجمه ی گالان دقیق نیست، بلکه نوعی اقتباس و دستکاری داستان ها بر وفق ذوق و پسند مردم قرن ۱۸ فرانسه است، اما از همه ی ترجمه ها مشهورتر و پر خواننده تر است و حتی به عربی و هندوستانی نیز برگردانده شده است". (ستاری، ۱۳۶۸: ۵)

### "مهم ترین ترجمه ها و چاپ های هزار و یک شب پس از ترجمه ی گالان، عبارتند از:

ترجمه ی دو هامر (de Hammer) (۱۸۲۳) و هایبشت (Habicht) (۱۹۳۵) به آلمانی؛ ترجمه های ادوارد ویلیام لین (E.W.Lane) (۱۸۹۳) و جان پین (Payne) (۱۸۸۲) به انگلیسی و سه ترجمه ی بحث انگیز دیگر: ترجمه ی ریچارد بورتون (R.F.Burton) (۱۸۸۵) به انگلیسی و ترجمه ی شارل ماردروس (Dr.A.C.Mardrus) (۱۸۸۹) و ترجمه ی خوام (۱۹۶۷-۱۹۶۵) به فرانسه". (همان: ۵)

"بنا به نظری معتبر، نخستین بار مصری ها به کار جمع آوری و تدوین داستان های هزار و یک شب به صورت فعلی، پرداختند. البته به جز نسخه ی مصری، در دایرة المعارف بریتانیکا (Britanica)، از نسخ دیگری نیز سخن گفته اند: نسخه ای متعلق به قرن دهم که ابن عبدوس آن را جمع آوری کرده، دو نسخه ی بغدادی که بیش از همه به هزار افسان نزدیک هستند، و نسخه ای مغولی که در قرن شانزدهم گردآوری شد". (ثمینی، ۱۳۷۹: ۲۸)

۱۵۰ سال بعد از ترجمه ی آنتوان گالان از هزار و یک شب، در سال ۱۲۵۹ هجری قمری، در زمان محمد شاه قاجار و پسرش ناصرالدین شاه، هزار و یک شب، به دست عبداللطیف طسوجی، به فارسی ترجمه شده و به چاپ سنگی رسید.

### تأثیر هزار و یک شب بر نویسندگان جهان:

"هزار و یک شب که شب های عربی نیز نامیده می شود، از قرن ۱۵ توسط غربیان مورد ستایش قرار گرفت؛ در سال ۲۰۰۴ از جانب یونسکو به عنوان یکی از آثار با ارزش یونسکو پذیرفته شد. در این سال به مناسبت صدمین